

مصطفی شاه‌کرمی
شعر همانند انسان‌ها آیین و مذهب دارد یا به قول استاد «م. مؤید» شعر فارسی مسلمان است، به همین علت است که وحدت و دعوت به یکپارچگی در جزئیات اشعار شعرا جلوه و خودنمایی می‌کند. این مقوله در لایه‌لای اشعار شاعران کشورمان از شعرای متقدم مانند فردوسی، مولوی، سعدی، حافظ و بیدل تا شاعران معاصر ی مثل اقبال لاهوری و شهریار نمود برجسته‌ای دارد. در واقع آغازگر بسیاری از دیوان‌های شعرای فارسی‌زبان از قدیم‌الایام تا دوران معاصر پس از حمد و ستایش پروردگار متعال، از وجود پربرکت حضرت رسول اکرم(ص) به عنوان اسوه حسنه و رحمة للعالمین یاد شده‌است که همواره منادی و سلسله‌جنبان مسئله وحدت بوده‌اند و این رویه از نگرانی برای امتداد یکپارچگی و همبستگی امت اسلام در ذهن و فکر این بزرگان حکایت دارد. آغاز هفته وحدت و همچنین تلاش‌هایی که دشمن طی چند وقت اخیر به منظور راه انداختن دعواهای مذهبی و قومیتی در بین مردم کشور مان انجام داده، بهانه‌ای شد تا «جوان» در گفت‌وگو با استاد مصطفی محدثی خراسانی به بررسی و واگوی‌ی علل و ریشه‌های شکل‌گیری نگاه وحدت‌آفرین در بین اشعار شاعران و همچنین برنامه‌ریزی و کنش‌هایی که می‌تواند منجر به تقویت این مقوله بسیار مهم در لایه‌های مختلف جامعه شود، بپردازد.

تعداد زیادی از شعرای کشورمان فارغ از قومیت و مذهب در بحث وحدت و لزوم تقویت این نگاه بین مسلمانان اشعار زیبایی سروده‌اند که از فردوسی و بیدل و عطار تا سعدی و مولوی و شهریار و اقبال لاهوری و ادبای زیاد دیگری در این گستره قرار می‌گیرند. عمده کنش و کاربستی که باعث جوشش چنین اشعاری شده و می‌شود، چیست؟

اثر هنری و حالاً خصوصاً شعر اصلاً مولود وحدت و چودی شاعر است، یعنی تا وقتی شاعر در درون خودش به یکپارچگی، وحدت و انسجام رسیده باشد. بر اساس کنشفات علمی ظاهراً بدن انسان‌ها متشکل از ۲۴ میلیون سلول است، تا همه اینها دست به دست هم ندهند اثر خلق نمی‌شود. تعبیر دقیق و عمیقی گفتید، به نظر خیلی جامع و کامل است!

بله، علت آن هم این است که خاستگاه هنر وحدت است، بنابراین وحدت‌آفرین هم است و دعوت‌کننده به مهر و مسالمت و همزیستی و رشد و اعتلاست. اگر ما از این منظر نگاه کنیم، اساساً ادبیات و شعر فارسی مشخصاًش همین وحدت‌آفرینی است. شما غزل عاشقانه هم که می‌خوانید به مهرورزی و بشریت و هستی و انسان و خدا دعوت می‌شوید. این یک وجه کلی است و به نظر من اصلاً کارنامه کلی شعر فارسی کارنامه وحدت و دعوت به یکپارچگی است. حال اینکه اختصاصاً در سنت ادبی ما اینگونه بوده که دواوین شعرا با تحمیدبه‌شروع می‌شود و سپس با نعت پیامبر(ص) که جزو سنت شعر و شعرای فارسی بوده و به همین علت است که بسیاری از دواوین شعرای ما اینگونه‌اند، مثلاً در مخزن الاسرار نظامی هم که به اسم خمسه نظامی می‌شناسیم، مثنوی بلند «شمسه نه مُسنَد هفت اختران / ختم رسل خاتم پیغمبران / احمد رسل که خرد خاک اوست / هر دو جهان بسته فتراک اوست» یا اشعار سعدی که در قصیده معروفش سروده است «سعدی اگر عاشقی کنی و جوانی / عشق محمد(ص) بس است و آل محمد(ص)» و دیگران و دیگران، یک سنت بوده است. کمتر شاعری را داریم که چه به صورت مستقیم، به شکلی که عرض کردم و چه غیرمستقیم سراغ این مضمون و ستایش پیامبر(ص) نرفته باشد و عمدتاً هم در اشعار نبوی ایشان همواره برجسته است. اصلاً رحمة للعالمین یعنی همین عبايي که ایشان بر سر جهان گسخته‌اند است. فارغ از دین و مذهب، هر دو جهان مشمول رحمت حضرت تش شده و همین خودش عین وحدت است(جمع کردن همه در زیر عباي پیامبر(ص)) یا مثلاً در شعری که مرحوم فرهاد مهرد هم خوانند با عنوان «آلا پیامدار محمد(ص)» جایی که اشاره می‌کند «کشیدی عباي وحدت بر سر پاکان روزگار» از جمله این اشعار است که بارزترین وجه نبوی ما همین دعوت به گردآمدن زیر یک سایبان و همدلی و همراهی محبت داشتن به همدیگر است.

وجه بارز دیگری در بین اشعار شعرای متقدم و متأخر(هم شاعران سنتی مذهب و هم شیعی مذهب) وجود دارد و آن این بوده که همیشه در امتداد حمد خداوند و نعت حضرت رسول اعظم(ص) به تکریم و تعظیم آل الله و اهل بیت رسول اکرم(ص) به خصوص خمسه آل طاهرا پرداخته‌اند که دقیقاً در مسیر نگاه وحدت‌آفرینی و یکپارچگی بین مذاهب اسلامی است.

دقیقاً همینطور بوده که اشاره کردید. مثلاً در ابیاتی منسوب به فردوسی که در مقدمه شاهنامه بخش ستایش پیامبر اعظم(ص) سروده، آمده است: «که من شهر علمم علیم در است ادرست

در نشست نقد و بررسی رمان «سپروان» مطرح شد

«سپروان» آغازی خوب برای رمان امنیتی

یک کارشناس مسائل امنیتی می‌گوید: کتاب «سپروان» به خودی خود کار ارزشمندی است، ولی از آن بالاتر و مهم‌تر این است که می‌تواند شش‌وع یک حرکت و مسیر در این حوزه باشد تا دیگران هم بتوانند با بهره‌گیری از اطلاعات و تجربیات ارزشمند خود، در اطلاعات‌های جذابی برای آگاهی‌بخش مردم خلق کنند.

■ ■ ■

محمد ستاری وفايي، نویسنده کتاب «سپروان» در نشست نقد و بررسی این رمان با اشاره به موضوع کتاب گفت: عنوان کتاب نشان می‌دهد قهرمان داستان که اهل سنت نیز است با خلع کردستانی وابستگی دارد، زیرا سپروان نام رودخانه‌ای بزرگ در کردستان و برای مردم این منطقه نامی آشناست.

وی افزود: جریانسی که در کتاب شرح داده می‌شود، به زمانی برمی‌گردد که مردم کردستان زیر چکمه‌های گروهک‌ها بودند و حتی مشکل معیشتی داشتند، ولی با همه سختی‌ها و دشواری‌ها، به نظام وفادار بودند و هستند. بخشی از موضوعات مطرح‌شده در کتاب، قدرت عملیاتی سرویس‌های دشمن را منعکس می‌کند. آنها به گونه‌ای عمل می‌کنند که حتی شخصی که به تور آنها گرفتار می‌شود، نمی‌داند این سرویس

شعر همانند انسان‌ها آیین و مذهب دارد یا به قول استاد «م. مؤید» شعر فارسی مسلمان است، به همین علت است که وحدت و دعوت به یکپارچگی در جزئیات اشعار شعرا جلوه و خودنمایی می‌کند. این مقوله در لایه‌لای اشعار شاعران کشورمان از شعرای متقدم مانند فردوسی، مولوی، سعدی، حافظ و بیدل تا شاعران معاصر ی مثل اقبال لاهوری و شهریار نمود برجسته‌ای دارد. در واقع آغازگر بسیاری از دیوان‌های شعرای فارسی‌زبان از قدیم‌الایام تا دوران معاصر پس از حمد و ستایش پروردگار متعال، از وجود پربرکت حضرت رسول اکرم(ص) به عنوان اسوه حسنه و رحمة للعالمین یاد شده‌است که همواره منادی و سلسله‌جنبان مسئله وحدت بوده‌اند و این رویه از نگرانی برای امتداد یکپارچگی و همبستگی امت اسلام در ذهن و فکر این بزرگان حکایت دارد. آغاز هفته وحدت و همچنین تلاش‌هایی که دشمن طی چند وقت اخیر به منظور راه انداختن دعواهای مذهبی و قومیتی در بین مردم کشور مان انجام داده، بهانه‌ای شد تا «جوان» در گفت‌وگو با استاد مصطفی محدثی خراسانی به بررسی و واگوی‌ی علل و ریشه‌های شکل‌گیری نگاه وحدت‌آفرین در بین اشعار شاعران و همچنین برنامه‌ریزی و کنش‌هایی که می‌تواند منجر به تقویت این مقوله بسیار مهم در لایه‌های مختلف جامعه شود، بپردازد.

تعداد زیادی از شعرای کشورمان فارغ از قومیت و مذهب در بحث وحدت و لزوم تقویت این نگاه بین مسلمانان اشعار زیبایی سروده‌اند که از فردوسی و بیدل و عطار تا سعدی و مولوی و شهریار و اقبال لاهوری و ادبای زیاد دیگری در این گستره قرار می‌گیرند. عمده کنش و کاربستی که باعث جوشش چنین اشعاری شده و می‌شود، چیست؟
اثر هنری و حالاً خصوصاً شعر اصلاً مولود وحدت و چودی شاعر است، یعنی تا وقتی شاعر در درون خودش به یکپارچگی، وحدت و انسجام رسیده باشد. بر اساس کنشفات علمی ظاهراً بدن انسان‌ها متشکل از ۲۴ میلیون سلول است، تا همه اینها دست به دست هم ندهند اثر خلق نمی‌شود. تعبیر دقیق و عمیقی گفتید، به نظر خیلی جامع و کامل است!
بله، علت آن هم این است که خاستگاه هنر وحدت است، بنابراین وحدت‌آفرین هم است و دعوت‌کننده به مهر و مسالمت و همزیستی و رشد و اعتلاست. اگر ما از این منظر نگاه کنیم، اساساً ادبیات و شعر فارسی مشخصاًش همین وحدت‌آفرینی است. شما غزل عاشقانه هم که می‌خوانید به مهرورزی و بشریت و هستی و انسان و خدا دعوت می‌شوید. این یک وجه کلی است و به نظر من اصلاً کارنامه کلی شعر فارسی کارنامه وحدت و دعوت به یکپارچگی است. حال اینکه اختصاصاً در سنت ادبی ما اینگونه بوده که دواوین شعرا با تحمیدبه‌شروع می‌شود و سپس با نعت پیامبر(ص) که جزو سنت شعر و شعرای فارسی بوده و به همین علت است که بسیاری از دواوین شعرای ما اینگونه‌اند، مثلاً در مخزن الاسرار نظامی هم که به اسم خمسه نظامی می‌شناسیم، مثنوی بلند «شمسه نه مُسنَد هفت اختران / ختم رسل خاتم پیغمبران / احمد رسل که خرد خاک اوست / هر دو جهان بسته فتراک اوست» یا اشعار سعدی که در قصیده معروفش سروده است «سعدی اگر عاشقی کنی و جوانی / عشق محمد(ص) بس است و آل محمد(ص)» و دیگران و دیگران، یک سنت بوده است. کمتر شاعری را داریم که چه به صورت مستقیم، به شکلی که عرض کردم و چه غیرمستقیم سراغ این مضمون و ستایش پیامبر(ص) نرفته باشد و عمدتاً هم در اشعار نبوی ایشان همواره برجسته است. اصلاً رحمة للعالمین یعنی همین عبايي که ایشان بر سر جهان گسخته‌اند است. فارغ از دین و مذهب، هر دو جهان مشمول رحمت حضرت تش شده و همین خودش عین وحدت است(جمع کردن همه در زیر عباي پیامبر(ص)) یا مثلاً در شعری که مرحوم فرهاد مهرد هم خوانند با عنوان «آلا پیامدار محمد(ص)» جایی که اشاره می‌کند «کشیدی عباي وحدت بر سر پاکان روزگار» از جمله این اشعار است که بارزترین وجه نبوی ما همین دعوت به گردآمدن زیر یک سایبان و همدلی و همراهی محبت داشتن به همدیگر است.

وجه بارز دیگری در بین اشعار شعرای متقدم و متأخر(هم شاعران سنتی مذهب و هم شیعی مذهب) وجود دارد و آن این بوده که همیشه در امتداد حمد خداوند و نعت حضرت رسول اعظم(ص) به تکریم و تعظیم آل الله و اهل بیت رسول اکرم(ص) به خصوص خمسه آل طاهرا پرداخته‌اند که دقیقاً در مسیر نگاه وحدت‌آفرینی و یکپارچگی بین مذاهب اسلامی است.

دقیقاً همینطور بوده که اشاره کردید. مثلاً در ابیاتی منسوب به فردوسی که در مقدمه شاهنامه بخش ستایش پیامبر اعظم(ص) سروده، آمده است: «که من شهر علمم علیم در است ادرست

در نشست نقد و بررسی رمان «سپروان» مطرح شد

فرهنگی

این سخن قول پیغمبر است!گواهی دهم کاین سخن‌ها ز اوست اتو گویی دو گوشم پر آواز اوست اعلی را چنین گفت و دیگر همین‌اکز ایشان قوی شد به هر گونه‌دین»، ایشان بعد از ستایش پیامبر(ص)، با استناد به احادیث معتبر گریزی به جایگاه حضرت علی(ع) می‌زند. هر چند می‌شود شعر نبوی را به شکل مستقیم هم مورد بررسی قرار داد که به هیچ‌عنوان بحث شیعه و سنی در این زمینه وجود نداشته است. مثلاً همان گرایشیه که در این زمینه نزد مولوی و اشعارش قابل احصاست در شعرای شیعه نیز چنین ابیات وحدت‌گرایانه و همگرایی خواهانه‌ای وجود داشته و دارد.

علت چنین گرایش‌هایی در بین شعرا چیست و این محمل و نگاه بلندنظرانه که حاصل آن اشعاری در ثای وحدت و یکپارچگی مسلمین است، چگونه شکل می‌گیرد؟

واقعیت این است که هنگام سرودن شعر هویت و ماهیت ذات پیامبر(ص) شاعر را به سمت همراهان و ادامه‌دهندگان راه او و نهایتاً اهل بیت(ع) که مظهر وحدت و همبستگی هستند، می‌برد.

رویکرد وحدت‌آفرین در شعر شعرای زیادی وجود داشته است، لکن شعر بیدل و اقبال لاهوری یک وجه متمایزی با دیگران دارند و آن هم بر تکرار بودن چنین اشعاری

است که لزوماً در مقدمه و دیپاچه‌سرایي یا اشعار ابتدایی دواوین شعرا، بروز بیشتری دارد. از سوی دیگر شعر در بین مردم جامعه مانند آب سیال و روان است و در این بین اشعار شعرایی که در بحث تهذیب و تزکیه نفس تلاش کرده‌اند و البته قلم‌توانایی هم دارند، بیشتر از دیگران است، مانند شعر حافظ و سعدی و بزرگان دیگر.

شعر در طول تاریخ رسالت خودش را به خوبی انجام داده و

به نظر من کارنامه شعر فارسی یک کارنامه بسیار درخشان است. من یک زمانی با استاد م. مؤید مصاحبه‌ای برای مجله شعر داشتم، ایشان می‌گفت که شعر فارسی مسلمان است. (شرح و بیست آن حرف‌ها که اتفاقاً خیلی هم زیبا بود، در آن مصاحبه آمده)، برای همین است که بنده عرض می‌کنم کارنامه شعر فارسی درخشان است و اساساً شعر فارسی در دامان اسلام متولد شده، چون ارتباط ما با شعر شروع در سال ۲۵۱ هجری با آن شعر شکسته بسته ابومحمدبن وصیف‌سگزی (سیستانی) معروف به ابو وصیف سیستانی(نخستین کسی بود که به زبان فارسی، شعر عروضی سروده) در مدح یعقوب لیث صفاری است(شعری بااین مطلع «ای امیری که امیران جهان خاصه و عام‌ابنده و چاکر و مولای و سگ بند و غلام)، آنجا مقطع شروع شعر فارسی است و سال ۲۵۱هجری سالی است که اسلام کاملاًدر ایران آمده و مستقر شده و ادبیات دیوان‌سالاری و دربار‌های اسلامی شده. به این لحاظ شعر فارسی در دامان آموزه‌های قرآن و اسلام متولد شده و بالیده و رشد کرد، به همین دلیل نقطه اوج شعر فارسی عرفان اسلامی است، یعنی بلندترین قله‌های شعر فارسی ما شاعرانی هستند که عرفان اسلامی را تبلیغ و ترویج می‌کردند.

آیا در دوره معاصر هم می‌توانیم چنین ادعایی بکنیم؟

شعر کار خودش را انجام داده و حالا که به رسانه‌های دیداری و شنیداری و فضای مجازی و غیره شاخ و برگ داده‌ایم، کماکان شعر در حال ایهام‌بخشی ما به این عرصه‌است و اشعار شعرا برای دیگر هنرمندان مُلهم بوده و است. همین هنرمندان حوزه شعر سینما، تئاتر، نقاشی و غیره ایهامات اولیه‌شان را از بانک

خودشان را هم انجام نمی‌دهند! آنها دست‌نخ شعران را برمی‌دارند و سالی یک بار یک جشنواره بر گزار می‌کنند و همین‌نقش‌سنمایی دارد و مادر هنرهای دیگر است و زیرساخت فرهنگی ما در جامعه شعر است و هنوز هم جایگاه اصلی‌اش را در مدیریت فرهنگی ما ندارد، نه از منظر حوزه هنری، نه جای دیگری مثنوی سیاست‌گذاری درمذت در حوزه شعر سنتی همه‌از حاصل دست‌نخ شعران استفاده می‌کنند و خودشان هیچ تکلیفی برای کاشت ندارند و همه اهل برداشت از شعر هستند.

در مورد بخش‌های دیگر چطور؟

در رسانه ملی از وقتی که آقای قزوئه آمده است، ما کمی امیدوار شده‌ایم؛ اینکه آن دفتر موسیقی و سرود را به دفتر شعر و موسیقی تبدیل کردند و قرار است یکسری اتفاقات مثبت شکل بگیرد که امیدوارم بیشتر هم بشود ولی این ظرفیت بی‌کران شعر را که می‌تواند هزاران شکل از آن برنامه تولید کند، نه رسانه ملی توانسته خوب از آن استفاده کند و نه نظام فرهنگی ما که نسبت به آن غفلت کرده و نه حتی نظام آموزشی ما آن رسالتی را که در مدارس و دانشگاه‌ها بر عهده داشته است، نتوانسته درست انجام دهد.

عملکرد سازمان‌ها و دستگاه‌هایی که قرار بوده به کمک شعر بیایند، به نوعی سنگ جلوی پای شعر که ایرانی‌ترین هنر این سرزمین است، شده و به شکلی مانع سیالیبت و روانی آن هستند. به‌نظر تان برای حل این مشکلات چه باید کرد؟

برخی از این بخش‌ها و دستگاه‌ها به جای تسهیل‌گری مشغول دخالت کردن هستند و این دخالت‌ها بیش از آنکه کمک‌کننده باشد، مانع است. به نظر من جا دارد برگردیم به این نقطه اشتراک و وحدت‌آفرین(شعر). همانطور که دین مقدس ایران وحدت‌آفرین است، شعر هم در بین هنرها بیشترین عامل وحدت‌آفرینی می‌تواند باشد، چون همه به زبان فارسی حرف می‌زنند و شاخصه برتر زبان فارسی، شعر است. مفاهیمی که در شعر مطرح می‌شود، مفاهیم مشترک‌ی بین دل‌های همه ایرانیان است، فارغ از مذهب و گرایش‌های دیگر. این است که عرض می‌کنم باید به کیفیای شعر بازگردیم؛ شعری که می‌تواند بسیاری از دردها و آلام و نهنجاری‌هایی را که امروز با آنها دست به گریبان هستیم، مداوا کند. باید نگاه درست و درمان و هم‌اندازهای برای شعر تعریف شود و آنها بتوانند با دعوت‌از صاحب‌نظران خود اهالی ادبیات و استادان و شعرای این حوزه یک سیاست‌های کلان، درازمدت و فراگیری را طراحی کنند تا بتوانند این جزایر پراکنده در سطح کشور را متحد بکنند تا در سیاست‌گذاری فرهنگ عمومی و حوزه‌های آموزشی، رسانه‌ها و مطبوعات ما بتوانند تأثیر گذار باشند. اگر موفق به چنین کاری بشویم، شعر می‌تواند بسیاری از این نگرانی‌هایی را که نظام فرهنگی ما در ارتباط با تربیت و ترویج خوبی‌ها و نکوشش زشتی‌ها دارد، به شکلی مستقیم‌حل کند و می‌تواند در جامعه به شکلی پررنگ‌تر و قوی‌تر نقش‌آفرینی لازم را انجام دهد.

کرد که مخاطب با میل و رغبت وقت بگذارد و تا انتها آن را دنبال کند، ارزشمند است، اما از جنبه تخصصی باید توجه داشت که اثر داستان است و ممکن است در مواردی، کمی با واقعیت فاصله داشته باشد، مثلاً اینکه کسی کارش در زمینه هنر باشد و یک دفعه به جایگاه طراحی عملیات و کارهای پیچیده اطلاعاتی برسد، کمی بعید به نظر می‌رسد و شاید در محنه اجرایی خیلی معقول و معمول باشد، اما به هر حال داستان است و اقتضائات خاص خود را دارد. باید دید هدف نویسنده چه بوده و چه چیزی را می‌خواسته است به مخاطب منتقل کند.

وی در بخش دیگری از سخنان خود عنوان کرد: چیزی که در این کتاب به در کنار مسائل اعتقادی، خیلی مورد تأکید قرار گرفته، دادن آگاهی به جوانان است تا حواس‌شان جمع باشد، چون ممکن است همه جا دام برای‌شان پهن شده باشد. هنر و حُسن دیگر کتاب این است که در کنار مطرح کردن ترندهای دشمن در جذب، توانمندی‌های دستگاه‌های امنیتی داخلی را هم به رخ کشیده است. در این زمینه ممکن است در کتاب کمی اغراق صورت گرفته باشد، ولی اغراق خوبی است، چون موجب غرور و اعتماد بنفس خواننده ایرانی می‌شود. این کارشناس مسائل امنیتی همچنین گفت: در چند سال اخیر، کارهای خوبی در زمینه موضوعات امنیتی در قالب‌های هنری تولید شده است، اما در بحث تولید کتاب، کمتر کسی دست به قلم شده که جای چنین اثری خالی است. امروزه تهاجم زیادی روی افکار و عقاید جوانان ما صورت می‌گیرد که نیاز است این ترندها را بشناسند و نسبت به آنها آگاهی داشته باشند. در این زمینه کار جدی نه در حوزه فرهنگی و نه در بحث هندسه‌های امنیتی نکرده‌ایم. باید اتفاقات جدید و جدی در این حوزه رخ دهد تا جوانان با ترندهای دشمن آشنا شوند و بتوانند درست‌را از نارس‌ت تشخیص دهند.

وی تأکید کرد: در این اثر به خودی‌خود کار ارزشمندی است، ولی از آن بالاتر و مهم‌تر این است که می‌تواند شروع یک حرکت و مسیر در این حوزه باشد تا دیگران هم بتوانند با بهره‌گیری از اطلاعات و تجربیات ارزشمند خود، داستان‌های جذاب برای آگاهی‌بخش مردم خلق کنند. این تجربیات به‌یای سنگینی به دست آمده است که باید به خوبی از آن استفاده کرد.

ششمشنبه ۲۶ مهر ۱۴۰۱ | ۲۱ ربیع‌الاول ۱۴۴۴ |

■ **نبوغ یک فرد اطلاعاتی در سطر به سطر کتاب**

جواد کاموربخشایش، دیگر کارشناس حاضر در این نشست نیز گفت: اتفاق مبارکی است که کتاب «سپروان» به عنوان یکی از آثار مهم و مطرح انجمن سپاس، در این نشست مورد نقد و بررسی قرار می‌گیرد. وقتی این کتاب به‌دستم رسید، به دو مسئله درباره آن پی بردم: نکته نخست نبوغ نویسنده است که احساس کرد باید فردی تازه در عرصه نویسندگی باشد که در عین رعایت اصول مستندنگاری، عناصر داستانی را برای خلق یک اثر جذاب به‌کار گرفته است. نکته دوم اینکه، نبوغ یک فرد اطلاعاتی را در سطر به سطر این کتاب می‌بینیم که تمام‌اتری خود را در راستای اهداف منطقی یک سازمان و نظام می‌گذارد. وی ادامه داد: در سطر به سطر این اثر، آموزه‌های زیادی از جمله سبک زندگی، نوع تصمیم‌گیری و رعایت شئون دینی و اخلاقی وجود دارد. کتاب «سپروان» یک اتفاق ویژه و نادر در حوزه رمان‌های امنیتی است. از روی این کتاب می‌توان ایهامات خوب طرح‌ای کرد که بتواند در سطح دنیا، حرف برای گفتن داشته باشد. انجمن پیشکسوتان سپاس، تلاش دارد در موضوعات مغفول‌مانده حوزه امنیتی را در قالب کتاب‌های مستند با معرفی شخصیت‌های واقعی به جامعه عرضه کند.

این نویسنده و پژوهشگر حوزه‌های انقلاب اسلامی و دفاع مقدس همچنین بیان کرد: به نظر مطالعه این کتاب از منظر آگاهی یافتن از چنین فضایی، ضروری است. وقتی سپروان را مطالعه می‌کردم، این احساس را نداشتم که نویسنده می‌خواهد رمان بنویسد. احساس می‌کردم هر آنچه در داخل و خارج وجود دارد و واقعیت تجربه کرده را در قالب داستانی ارائه کرده است. در این متن با استناداتی روبه‌رو هستیم که تا حدی داستان‌را از تخیل دور می‌کند. همچنین اعتقاد دارم درباره اتفاقات مطرح‌شده در این کتاب اغراق صورت گرفته، بلکه واقعیتی بیان شده که شاید در آن برهه امکان وقوع داشته‌اند. باید راهی را برای تبیین این‌گونه مسائل و تبیین رسالت‌های انسان‌هایی که در این زمینه کار کرده‌اند، باز کنیم. در این کتاب، با رشادتهای سختی‌های انسانی روبه‌رو هستیم که برای کسی تلاشی می‌کند. به نظر من ادبیات می‌تواند در زمینه آگاهی‌بخشی به جامعه امروز کمک کند. اکنون وارد موضوعی شده‌ایم که تاکنون کمتر با آن روبه‌رو بوده‌ایم.